



هر گناهی جرم نیست

آیت‌الله سیدمحمدعلی ایازی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم در واکنش به شلاق زدن یک دختر به علت بی حجابی گفت: «ما چند مسئله داریم؛ نکته اول این که آیا هر گناهی جرم است یا نه؟ ما در قرآن حرمانت زیادی داریم که از آن به‌عنوان گناه یادمی‌شود، اما هر گناهی جرم به مفهوم حقوقی نیست؛ برای نمونه کسی که نماز نمی‌خواند یا روزه نمی‌گیرد، گناه است اما جرم نیست اما یک مفهوم گناه داریم که علاوه بر گناه بودن، جرم هم است، مثل دزدی که گناه است و به لحاظ حقوقی جرم و دارای کیفر حدی و یا تعزیری است. پس نکته اول این است که ما در فقه و در میان فقها به لحاظ اجتماعی یک نظریه مورد توافق نداریم که هر گناهی جرم باشد.» او ادامه داد: «نکته دوم که باید به آن توجه کرد این است که به فرض کسی جرمی را انجام می‌دهد، اما عامه مردم آن را جرم تلقی نمی‌کنند. فرض کنید کسی در حین رانندگی کمر بند ایمنی نمی‌بندد، اما مردم این را جرم و مستحق مجازات می‌دانند، چون کمر بند نبستن در تلقی عمومی جامعه، زشت و به لحاظ قانونی است. از طرف دیگر براساس قانون، یکسری شبکه‌های اجتماعی فیلتر شده است اما در افکار عمومی آن را نایحق می‌دانند و با اینکه قانون داشتن فیلترشکن را جرم می‌داند، فرض و تلقی مردم این است که داشتن فیلترشکن جرم نیست. لذا ممکن است مسئولی بگوید اگر قرار باشد فیلترشکن فروخته‌شود چرا خود ما این کار را نکنیم؟ یعنی همان کسی که داشتن فیلترشکن را جرم ندانسته، می‌گوید که ما باید خودمان فیلترشکن را بفروشیم! بنابراین عرف جامعه داشتن فیلترشکن را جرم نمی‌داند و این مسئله از تعارض‌هایی است که بر جرم‌خیزی بسیار تأثیرگذار است.» استاد حوزه علمیه افزود: «نکته سوم این است که در وضعیت اجتماعی ممکن است وقتی که از جرم صحبت می‌شود، رفتارها و کارهایی باعث جرم‌زدایی از جرم شود. یعنی نفس این‌که کسی تخلف کند، می‌خواهد آن را علنی و اعلام کرده و به آن افتخار کند. در چنین وضعیتی نشان می‌دهد زشت نیست، بلکه افتخارآمیز است. هدف از مجازات پیشگیری از جرم است، اما اگر کیفر به دلیل رفتاری که حکومت در برخورد با جرم کرده است- بر فرض که برداشتن حجاب جرم باشد- نقش بازدارندگی نداشته باشد، و این کاری خطرناک است. در قانون همواره گفته می‌شود، شیوه بر خورد با جرم و اجراپذیر کردن مهم است؛ زیرا مجازات برای پیشگیری و عدم اشاعه جرم است. در بحث حجاب نوع برخوردی که با مسئله برداشتن روسری در جامعه انجام می‌گیرد، عملاً جامعه را به واکنش و نوعی مخالفت با این کار وادار کرده و می‌کند و به فرهنگ حجاب کمک نکرده است، بلکه حکومت در جرم‌زدایی کردن آن مؤثر بوده است.» او در ادامه گفت: «نکته چهارم این است که در باب پیشگیری از جرم، فلسفه‌ای داریم و آن این‌که مجازات و کیفر، وسیله پیشگیری از جرم شود ولی اگر کاری کنیم که بخشی از جامعه به انجام دادن جرم تشویق و وادار شوند، این نوع مجازات بازدارندگی ندارند، بلکه وهن به قانون است. حضرت امام در بحث امر به معروف و نهی از منکر در کتاب «تحریرالوسیله» می‌گوید: اگر نهی از منکر و رفتاری، باعث وهن به اسلام و شریعت شود، این کار حرام است؛ چون به اسلام و قانون وهن می‌شود. اینکه می‌بینید عده‌ای از علمای اسلام نسبت به دخالت دولت در مسئله الزام حجاب موضع می‌گیرند، برخی الزام حکومت را ضروری نمی‌دانند و برخی می‌خواهند بگویند که اگر مجازات، باعث پیشگیری از مجازات شود، کار لغوی است و موجب وهن به شریعت می‌شود.»



نماینده ادوار مجلس درگذشت

سیدمحمدتقی محصل همدانی، نماینده سه مجلس درگذشت. ایشان متولد ۱۳۱۴ در شهر یزد و نماینده شهرستان‌های ابرکوه، بافق، بهاباد، خاتم، مروست و مهریز در دوره‌های چهارم، پنجم و هفتم بود که سابقه ریاست بر کمیسیون قضایی مجلس، عضویت در سازمان بازرسی کشور را داشت.



شنبه ۲۳ دی ۱۴۰۲
سال دوم، شماره ۴۲۲
www.hammihanonline.ir



مردم و همدلی با آنان و تلاش برای رفع آنها. جامعه‌محور و مردم‌دار بودن مستلزم امور زیر است:
۱- انسان مسئول، خود را دقیقاً در موقعیتی قرار دهد و ببیند که دیگران هستند و احساس او را درک کند.
۲- مشکلات و مسائل را دقیقاً بشناسد. مردم نوعاً درد‌ها را حس و مشکلات را احساس می‌کنند و ممکن است قدرت تحلیل و تبیین آنها را نداشته باشند، ولی روشنفکر مسئول علاوه بر درک مشکلات، باید بتواند آنها را تحلیل و تبیین و ریشه‌یابی کند و شناخت جامعه را نیز نسبت به آنها عمق ببخشد.
۳- تلاش کند برای یافتن راه‌حل مشکلات و رفع نیازها و نشان دادن آن راه به مردم و نیز به حاکمیت و قانع کردن او برای توجه به آن و اگر نشد وادار کردن او (البته از طرق خشنونت‌پرهیز) به اصلاح امور همراه با مردم.
اینکه که مجموعه‌های اصلاح‌طلب برخورد از جبهه‌اند باید همدلی و هم‌وایی نسبت به اصول و موازین مشترکی که جبهه حول آن پدید آمده است داشته باشند و حتی اختلاف‌های خود را که در جای خود محترم است بر اساس آن حل‌وفصل کنند. یکدلی و همصدایی جبهه خود یک اصل است.



جامعه امروز حق خود می‌داند تا نحوه تعامل کشور با جهان را تعیین کند و به تنش‌های خسارت‌بار با بخش قابل توجهی از جهان، که باعث فقر و تنگدستی گسترده و عمیق در کشور شده، خاتمه دهد. سیاست خارجی نامتوازن و نگاه یک‌سویه به شرق و نیز نادیده گرفتن ظرفیت‌های دیپلماتیک در جهان امروز و غلبه میدان بر دیپلماسی موجب شده است تا جامعه ایران از یک‌سیاست خارجی عزیمند محروم شود. این جامعه نمی‌خواهد زیر سلطه هیچ قدرتی باشد، نمی‌خواهد هیچ کشوری با کارت ایران بازی کرده و در بزرگانه‌های سخت ما را تنها بگذارد یا بر سر تمامیت ارضی ما معامله کند. این جامعه حق خود می‌داند تا سیاست خارجی در مسیری قرار بگیرد که از همه ظرفیت‌های جهان برای کمک به رشد اقتصاد، سرمایه‌گذاری، کاهش نرخ بیکاری، فقر، توسعه همه‌جانبه و ارتقاء جایگاه ایران استفاده کند.

جامعه امروز ایران از بحران‌ها و چالش‌های کهنه و نورنج می‌برد. از نقض عدالت آموزشی گرفته تا بحران آب و آلودگی هوا، بحران‌های زیست محیطی، ریزگرد‌ها، خشک شدن دریاچه ارومیه، دریاچه‌ها و تالاب‌های مهم نهنتها امروز، بلکه آینده ایران را تهدید می‌کند. مدیریت این بحران‌ها مثل مدیریت بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی از ناعدالتی قومی و مذهبی گرفته تا مسائل مختلف سیاست داخلی و مدیریت اجرایی گرفتار ناکارآمدی است و بحران ناکارآمدی در تعارض با حقوق مصرح مردم در قانون اساسی است.

اصلاح‌طلبان و اصلاح‌نارسانی‌ها

مسا به‌عنوان نیروهای اصلاح‌طلب که خواهان اصلاح‌نارسانی‌ها، کاستی‌ها و انحراف‌های خواسته و ناخواسته هستیم، باید به جامعه متحول و پویای امروز بایاندیشیم و با دردها و مطالبات این جامعه همراه باشیم. اعتراضات نشان داد که این جامعه و نسل نو تا چه حد از حاکمیت و نخبگانی که تا پیش از این مرجعیتی نسبی داشتند، عبور کرده است. مسئله مهم همراه شدن با جامعه، شناخت مقتضیاتی است که لازمه آن شناخت همین تحولات است. امروز ما با نسل یا نسل‌هایی مواجه هستیم که نمی‌توان برای آنها تعیین تکلیف کرد. آنها این تحولات را رصد می‌کنند و تنها با اشاره یک انگشت، به همه اطلاعات و اخبار دسترسی پیدا می‌کنند و مدام در حال مقایسه زندگی، جامعه و حاکمیت کشور خود با دیگر کشورهای جهان هستند. تاب تبعیض و بی‌عدالتی را ندارند و به ارزش‌های نسل‌های گذشته و پیش از خود اعتنایی نمی‌کنند. در این شرایط اصلاح‌طلبان پس از آنچه که به گفته سیدمحمد خاتمی، سیاست‌ورزی مرسوم اگر نگوییم که ممنع شد، با صخره ستر برنست مواجه شده است، باید ضمن آنکه در مسائل ععیده پیش‌رو اصلاح‌طلب می‌مانند، بتوانند طرحی نو در اندازند. اصلاح‌طلبان باید ببینند پایگاه اصلی قدرت آنها همین مردمی هستند که بیش از هر زمان احساس می‌کنند که حقوق‌شان نادیده گرفته شده است. جامعه‌ای که نهنتها بخش بزرگی از آن از این شیوه حکمرانی عبور کرده، بلکه امید چندانی به نخبگان و جریان‌های سیاسی موجود اعم از احزاب و افراد برای اعاده حق خود ندارد، انتظار دارد راهی برای رهایی از وضعیت نامطلوب و داشتن آینده‌ای روشن باز شود.

اصلاح‌طلبان و دفاع از حقوق قانونی مردم

اصلاح‌طلبان برای آنکه بخواهند در ساختار قدرت تأثیرگذار باشند و با اصلاح شیوه حکمرانی، کشور را در مسیر توسعه پایدار قرار دهند، برای آنکه بخواهند نمایندگی مطالبات مردم را از آن خود کرده و قدرت بی‌قدرتان باشند، برای آنکه بخواهند جامعه‌ای قدرتمند و دولتی توانا داشته باشند، باید از حقوق مصرح و قانونی همه شهروندان ایران فارغ از تفاوت‌های موجود و مخالف خشنونت‌پرهیز و مدافعان حقوق بشر در زندان و حصر نیست. سال‌های پیاپی در چند انتخابات مکرر، شهروندان مطالبه رفع حصر را از مسیر صندوق رای پیگیری کردند، اما نهنتها به این خواسته ترتیب اثر داده نشد، گویا متأسفانه محصوران عزیز بدون حکم قضایی، به حصر مادام‌العمر محکوم شده‌اند.



جاودانگی روح می‌رسد نه از طریق عقل نظری بلکه به‌عنوان لازمه‌ی اخلاق و عقل عملی. به‌هر حال انسان اصل است ولی این انسان باید همه شئون اش دیده شود. با کمال تأسف جهان امروز علی‌رغم ظاهر زیبایش در خیلی از جاها سرشار از خشم و خشنونت و غارت است. در کشور‌های به اصطلاح غیرپیشرفته انسان مظلوم در معرض دو سرکوب است؛ سرکوب مستقیم یا غیرمستقیم. نرم یا سخت. قدرت‌های توسعه‌طلب و سرکوب حکومت‌های غیرمردمی، نکته آخر اینکه در میان جریان‌های سیاسی جامعه ما از جمله اصلاح‌طلبان این پرسش جدی مطرح است که باید جامعه‌محور بود یا قدرت‌محور؟ من می‌گویم باید انسان‌محور بود. البته هیچ حزب و جریان سیاسی نیست که به قدرت چشم نداشته باشد. منتها بعضی‌ها قدرت را برای خود می‌خواهند و بعضی دیگر قدرت را برای خدمت به جامعه و مردم لازم می‌دانند.

جامعه‌محوری و مردم‌گرایی ممکن است با شعارهای زیبا و عوام‌فریبانه باشد؛ همان که به «پوپولیسم» معروف است. ولی جامعه‌محوری حقیقی عبارت است از درک مشکلات و نیازهای واقعی

مردم ایران امروز حق خود می‌دانند که خواهان جامعه‌ای باشند که در آن نخبگان، کارشناسان مجرب و تکنوکرات‌های دلسوز ارج ببینند و از منزلتی والا بر خوردار باشند و بتوانند با آسودگی به کشورشان خدمت کنند نه آنکه با قدر ناشناسی‌ها و تحقیرها مجبور به جلدی وطن شوند و در کشورهای دیگر قدر و منزلت یابند و حتی به انحاء مختلف ترغیب به مهاجرت نشوند. دانشجویان بسیاری به دلیل حضور یا همراهی با اعتراضات پس از مرگ مظلومانه مهسا، با حکم کمیته‌های انضباطی از تحصیل محروم، تعلیق و تبعید شدند. همچنین اساتید بسیار آزاده‌ای که به اتهام انتقاد نسبت به این روند و یا همراهی با معترضان به انحاء مختلف از اخراج و بازنشستگی تا لغو قرارداد و محرومیت از استخدام و از حضور در دانشگاه محروم شدند. این محرومیت و محدودیت تضییع آشکار حق شهروندان این کشور است که در حاکمیت یک‌دست به امری عادی تبدیل شده است. جامعه امروز ما حق خود می‌داند که خواهان حضور نظامیانی باشد که تأمین‌کننده واقعی اقتدار ملی و امنیت همگانی باشند. کسانی به شغل شریف نظامی‌گری و دفاع از تمامیت ارضی کشور اهتمام کنند که همان گونه که از ابتدا وعده داده شده بود و در همه کشور‌های توسعه‌یافته شاهدان هستیم، حق دخالت در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نداشته باشند. دخالت آشکار و پنهان نظامیان در عرصه‌های غیرنظامی، همان‌طور که بنیانگذار جمهوری اسلامی بر آن تأکید صریح داشته‌اند، مفسده‌انگیز شده است.

جامعه شفاف و پرسشگر

مردم ما حق خود می‌دانند که خواهان جامعه‌ای شفاف و پرسشگر باشد تا همه اصحاب قدرت در حوزه اختیارات خود به جامعه پاسخگو باشند که مردم بتوانند در مورد عملکرد آنها قضاوت کنند و تصمیم بگیرند. در دنیایی که شتابان در حال تغییر و تحول است، تکنولوژی جدید ارتباطی با سرعت و شتاب که همه چیز را قابل مشاهده کرده است، توسل به شیوه‌هایی نظیر فیلترینگ، طرح صیانت و محدود کردن رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی راه به جایی نخواهد برد. ریزش مخاطبان برای رسانه‌ای که باید ملی باشد، اما غیرملی عمل می‌کند، نشان می‌دهد، اصرار بر این رویه‌نهنتها موجب بازدارندگی جامعه از دسترسی به این تکنولوژی و فناوری‌های جدید نمی‌شود، بلکه با تشدید بی‌اعتمادی‌ها، بر شکاف بین حاکمیت و ملت خواهد افزود.

عدم به رسمیت شناختن این حق بیش و پیش از آنکه به جامعه آسیب برساند، حاکمیت را در شکل‌گیری پرونده‌های عجیب فساد‌های سازمان‌یافته فلانگیر خواهد کرد؛ فسادهایی که چون سازمان‌یافته است، رسیدگی به آنها و محاکمه عاملان و آمران آن نیز با اما و اگر همراه است و یا اینکه به دلیل غلبه روابط رانتی، به سرانجام نمی‌رسد. ناگفته پیداست که این فساد‌ها چه تأثیری بر باور افکار عمومی و میزان اعتماد به حاکمیت خواهد داشت. جامعه ما حق دارد از رسانه‌های آزاد و مصون از سانسور بر خوردار باشد تا بتواند با نقد زمامداران در همه سطوح، مستمراً بر آنها نظارت داشته باشند تا هر روز شاهد فساد‌های نجومی دیگری نباشیم.

قوه قضائیه مستقل

حق جامعه ایران است که از قوه قضائیه مستقل بر خوردار باشد. مطمئن شود که اولویت حکومت، مبارزه واقعی با فساد، اجرای تام و تمام عدالت، حاکمیت بلاشروط و بی‌تنازل قانون است. جامعه انتظار دارد از یک سو با زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری فساد‌های سازمان‌یافته مقابله شود و از سوی دیگر، در مواجهه با منتقدان و مخالفان برخی سیاست‌ها، رویکردها و رفتارهای حاکمیت، اتهامات امنیتی جای خود را به اتهامات سیاسی داده و حداقل طبق همین قانون جرم سیاسی موجود رسیدگی شود. هر چند جای هیچ منتقد و مخالف خشنونت‌پرهیز و مدافعان حقوق بشر در زندان و حصر نیست. سال‌های پیاپی در چند انتخابات مکرر، شهروندان مطالبه رفع حصر را از مسیر صندوق رای پیگیری کردند، اما نهنتها به این خواسته ترتیب اثر داده نشد، گویا متأسفانه محصوران عزیز بدون حکم قضایی، به حصر مادام‌العمر محکوم شده‌اند.

مولو امیرالمومنین در فرمانی که به مالک اشتر می‌دهد، می‌فرماید: «تو (در مقام حاکم) میدادا نسبت به مردم (با هر گرایش و سلیقه و خصوصیت) چون درنده‌ای خون آشام رفتار کنی... بلکه دلت را سرشار از مهر و محبت نسبت به مردمان کن که مردم دودسته‌اند، یا هم کیشان تو هستند یا همانند تو در آفرینش. می‌بینید که امام، هویت ناشی از دینداری را در دایره‌ای وسیع‌تر قرار می‌دهد؛ «انسانیت». انسانیت اصل است، قومیت، نژاد، جنسیت و حتی دینداری بر این اصل می‌روید و طبیعی است که فرع و شاخه نمی‌تواند و نباید اصل را از بین ببرد. چنین بینشی اگر حاکم شد نگاه صلح، آرامش، همزیستی و عدالت برقرار خواهد شد اما انسان و انسانیتی که مدار و محور باید باشد، فقط میل‌ها و خواهش‌های مادی نیست و انسانیت انسان در فایده مادی (Utility) خلاصه نمی‌شود. انسان از خرد، عاطفه و محبت بر خوردار است و زندگی خوب برای همه انسان‌هاست و بر خورداری از مزایای مادی و معنوی حق همگان است.

بزرگی چون ایمانوئل کانت که در نقد عقل نظری داتره و اعتبار آن را محدود می‌بیند و دستش را از رسیدن به «ذوات» کوتاه می‌نگرد ولی برای انسان اصالت قائل است. ریشه اصالت او را در اخلاق جست‌وجو می‌کند و درمی‌یابد که اخلاق بدون معنویت و بدون «امر متعالی» بی‌معنی است و به خدا و به

می‌شود از آنها گرفت، نه مصادره به مطلوب کرد و نه استفاده از آن را تحت هر شرایطی تنها به شهروندان تکلیف کرد. این نهادهای حاکمیتی هستند که اگر خود را مکلف به تأمین آزادی انتخابات کنند، امکان دسترسی همه ملت به استیفای حق شان و مشارکت در انتخابات افر اهمی می‌کنند.

داشتن یک زندگی آبرومندانه حق جامعه‌ای است که همواره در بزنگاه‌های سخت صوری پیشه کرده است. اعتراضات چندوجهی سال‌های اخیر از دی‌ماه ۹۶ گرفته تا آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ نشان داد، زیر پوست شهر انباشتی از ناراضی‌و خشم نهفته است که در فرصت‌های مناسب بروز پیدا می‌کند. این جامعه نباید هر روز نگران آن باشد که آیا سفره فردا از سفره امروز کوچکتر خواهد شد یا نه؟ با تورم ۴۰ درصد و افزایش دستمزد ۲۰ درصدی طبیعی است که حقوق و دستمزد اقصاری مانند کارگران، معلمان، یازنشتستان، صنوف مختلف و اقشار حقوق‌بگیر کفاف خرج بومیه‌شان را نمی‌دهد. رشد درصد جمعیت زیر خط فقر کشور گویای آن است که با چه سرعتی طبقه متوسط ایران در حال فقیر شدن و لشکر فقرا در حال فقیرتر شدن است.

اگر نام این وضعیت را نمی‌توان ناامنی گذاشت، پس چه نامی شایسته این روند نزولی کوچکتر شدن سفره‌های مردم است؟ با افتخار می‌گویم یکی از موفق‌ترین دولت‌ها که توانست با کنترل نرخ تورم و متناسب کردن حقوق و دستمزدها با نرخ تورم، رفاه نسبی را برای این قشر برقرار کند، دولت سیدمحمد خاتمی بود. طبعاً اگر دولت‌های بعدی این مسیر دولت اصلاحات را در سیاست داخلی و سیاست خارجی ادامه می‌دادند، امروز با این وضعیت اداره کشور و جمعیت زیر خط فقر مواجه نبودیم.

قزانت متحجر و قزانت رحمانی از دین

جامعه امروز حق خود می‌داند تا سبک زندگی خود را انتخاب کند و سال‌هاست یکی از نمادهای بارز آن را در موضوع انتخاب پوشش زنان ایران می‌بینیم. اصرار بر پذیرش یک نوع سبک زندگی، آن هم در جامعه متکثر ایران، یکی از دلایل افزایش شکاف بین حاکمیت و ملت است. چه‌سا به همان میزان که حاکمیت اصرار بر نمادهای منتسب به خود، آن هم با هزینه کردن از دین دارد، جامعه نیز به اشکال مختلف دست به مقاومت می‌زند و این مقاومت به‌وضوح دیده می‌شود. هر نوع مداخله حاکمیت در این حوزه، آن هم با خرج کردن از دین رحمانی اسلام، به نتیجه عکس انجامیده است. نمی‌شود وقتی رتبه شکاف جنسیتی ایران در پایین‌ترین سطح شاخص‌های جهانی قرار دارد و حقوق بنیادین زنان ایران نادیده گرفته می‌شود، از آنها انتظار داشت به سبکی از پوشش تن دهند که مطلوب حاکمیت است. اگر امروز زنان ایران از حق انتخاب پوشش خود کوتاه نمی‌آیند، یکی از دلایل آن نادیده گرفتن همین حقوق انسانی و وجود بی‌عدالتی جنسیتی آنهاست. جامعه امروز ایران حق خود می‌داند تا از بین دو قزانت از دین، یعنی قزانت متحجر، انحصارطلبانه و قیم‌مایانه یا قزانت رحمانی، انسان‌گرا و پاس‌خگوی مقتضیات زمان، خود انتخاب‌گر باشد و قزانتی از دین با آکراه بر او تحمیل نشود. اصرار یک‌سویه و مکرر بر قزانت‌های خشک و خشن و جزم‌گرایانه که حق زیست انسانی را از شهروندان سلب می‌کند و ناقض این حقوق انسانی و اجتماعی اوست، موجب شده است تا بخش مهمی از جامعه حتی به قزانت‌های ر رحمانی از دین نیز روی خوش نشان نهد و کار به جایی برسد که دلیل همه ناآرامی‌ها و محرومیت‌های خود را به دین فارغ از اینکه چه قزانتی از آن ارائه شود، نسبت دهد.

آنچه جامعه امروز حق خود می‌داند

جامعه امروز ما حق خود می‌داند که شاهد ارج نهادن و بر صدر بودن فرهیختگان، نخبگان و بر جستگان علمی کشور باشد و هر روز شاهد آن نباشد که افراد کم‌مایه و ناتوان بر مصادر کشور برکشیده شوند و کشور را به قیقرآ ببرند. همان‌طور که [امام علی (ع) فرمودند: چهار عامل ضایع کردن اصول (مسائل مهم)، سرگرم شدن به فروع (امور کم‌اهمیت) به کار گماردن افراد فرومایه و کنار گذرن انسان‌های فاضل و توانا موجب شکست «دولت‌ها» می‌شود.